

زندان رجایی شهر گورستان مقاوم ترین زندانیان سیاسی

جمهوری اسلامی به صورت نظام قرون وسطایی ولایت فقیه، به عنوان عریانترین، هارترین و سازمان یافته ترین حکومت شکنجه و کشتار انسان ها در جهان، با اجرای شریعت فاشیستی - الهی در اشکال سنگسار، قصاص، تازیانه، قطع دست و پا و... حیوانات انسان نمایی تربیت کرده که با ازار و اذیت و کشتن انسان ها خود را به بهشت و خدایشان نزدیک تر میکنند، بازجویان، حیوانات تربیت شده ای برای شکنجه زندانیان هستند که موقع تصمیم گیری و تقسیم کار در دفتر زندان جهت شکنجه زندانیان مانند تجاوز به دختران سیاسی و اعدام های دسته جمعی برای کسب ثواب بیشتر بین خود مسابقه می گذارند. کلیه افراد سیستم اطلاعات و قوه قضاییه مستقر در زندان ها از چنین افراد سادیسمی تشکیل میشوند، که با دزدن ازار و شکنجه ی دیگرانسان ها به آرامش میرسند. در مجموع اطلاعاتی، قضایی و امنیتی نگهدارندگان نظام خون اشام میلیاردرهای روحانی-نظامی به عنوان سگ حافظ این غارتگران ثروت های ملی به بهای گرسنگی و فلاکت میلیونی مردمی هستند. وزارت اطلاعات صاحب اختیار کلیه دستگاه های عریض و طویل نامبرده می باشند که از بدو دستگیری فعالان سیاسی تا صدور احکام شفا رشی توسط عرسک های خیمه شب بازی به نام قاضی و سپس زندان همه ی، این مراحل را تحت کنترل خود دارد در نهایت این سازمان جهنمی تحت حکومت جمهوری اسلامی با هزاران زندان و شکنجه گاه های مخفی و علنی و با صدها هزار زندانی، بزرگ ترین زندانیان و ناقض حقوق بشر در جهان میباشد زندان رجایی شهر با حدود ۴ هزار زندانی و در ده بند، مخوف ترین دستگاه رژیم می باشد که نزدیک به ۲۵۰ نفر زندانی سیاسی با صدها اعدامی و حبس ابدی با حبس های سنگین ۱۰ تا ۷۰ سال در این قبرستان تحت شدید ترین شکنجه های روحی و جسمی زنده به گور می شوند از کوچک ترین حقوق قانونی مصوب خود رژیم مانند رای باز، مرخصی ها، آزادی مشروط، عفوهای عمومی و موردی، ملاقات های حضوری - تلفنی، غذای مصوب سازمان زندان ها برنامه و کلاس های آموزشی، ورزشگاه و ده ها موارد دیگر محروم هستند، هدف واقعی رژیم نابودی غیر مستقیم این زندانیان می باشد هر فرد زندانی در اول ورود توسط چند مامور در مقابل دو دوربین مدار بسته لخت مادرزاد برهنه شده و پس از بیست بار بشین و پاشو وارد قرنطینه میشود، در بند قرنطینه توسط ارازل و اوباش حکومت به شدید ترین شکل ممکن مورد ضرب و شتم و توهین و فحش های رکیک قرار گرفته سپس وارد زندان میشود در بند سیاسی، سلول های انفرادی تک نفره سه چهار متری را محل زندگی ۳ تا ۴

زندانی که حداقل باید از ده سال تا حبس ابد در زندان باشند قرار داده اند در حالی که فضای مفید طبق آئین نامه زندان ۱۲ متر می باشد حال در ذهن خود تجسم کنید ابعاد فاجعه را که نفس آدم ها به هم میخورند و در هم می لولند.

ادامه چپاول و غارتگری ملی به نام خصوصی سازی به زندان ها هم رسیده. غذاهایی مانند ابگوشت، خورشید قیمة و قرمه حذف شده جیره ی به نام تغذیه در حد یک در صد آیین نامه مصوب سازمانی زندان ها وجود خارجی ندارد هر وعده غذا ناهار سویا خوراکی حیوانی همراه با برنج درجه صدم خالی داده می شود که بوی تعفن آن استفراغ آور بوده و عین غذا هر روزه تماما" به ظرف آشغال ریخته می شود زندانیان اگر چیزی در فروشگاه پیدا کردند باید به چندین برابر قیمت بخرند اغلب زندانیان نیمه گرسنه می خوابند فضای آشپزخانه برای پختن حتی تخم مرغ ان قدر کم است که باید روزانه ۲ ساعت در نوبت بمانند. سیستم بهداری به محل چاپ اسکناس برای حکومت از طریق ویزیت های گران قیمت مخصوصا" چشم پزشکی و دندان پزشکی تبدیل شده است نود درصد داروها به خرج زندانی از بیرون آورده می شود ۱۱ نفر اعزام به بیرون برای درمان مانند صالح کهندل ، محمد امیرخیزی ، یوسف ناصحی و کریم و... همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند که حتی به خرج خودشان هم به بیرون اعزام نمی شوند برخلاف تمام زندانها هواخوری در اینجا فقط ۲ ساعت می باشد و جمعیت تحت فشار داخل به علت هوای اندک فرصت تجدید تنفس و روحیه پیدا نمی کنند نه تنها از کلاس های فنی و حرفه ای و فروشگاهها مصوب در زندانها خبری نیست یک هفته هم هست که از روزنامه ها که به حساب خود زندانیان به داخل میامد قطع شده است مادر و برادر زندانی موسی یزدان نژاد دستگیر شده اند کلیه خانواده ها از جمله به مادر افشین حیرتیان چندین بار به صورت تلفنی و حضوری اخطار داده شده است که بچه ات را می کشیم چرا که بیانیه می دهد . خانواده افشین بایمانی حبس ابد با ۱۳ سال سابقه طی کردن زندان، از طرف مسئولین زندان برای دادن مرخصی به تهران کشانده شده و دوباره با حرکت سادیسمی مسئولین با تحمل فشارهای روحی و خسارتهای مالی برای یک خانواده فقیر و با ندادن مرخصی برگردانده شدند .از خانواده شاهرخ زمانی برای یک روز شرکت در عروسی دخترش یک میلیارد و صد میلیون تومان وثیقه خواسته اند . اداره اطلاعات در پی شکنجه روحی و جسمی هر وقت بخواهد به صورت سلیقه ای زندانیان را به قتل گاه ۲۰۹ بر گردانده و ماهها سلول انفرادی اذیت و آزار جسمی برای تواب سازی و گرفتن اطلاعات مورد نظر خود حتی اطلاعات تحمیلی مورد سو استفاده قرار می دهد از جمله ... هوشنگ رضایی پس از ۶ ماه انفرادی دوباره به بند برگردانده شد

محمودی پیرمرد کرد بعد از ۱۲ ماه انفرادی بلا تکلیف دوباره به بند برگردانده شد رضا شریفی بوکانی فعال حقوق بشر کلا" به بند ۲۰۹ منتقل داده اند سمکو را برای محاکمه مجددا و اعتراف گیری اجباری دوباره به بند ۲۰۹ منتقل کردند تا مورد استفاده شوی تلویزیونی قرار دهند . به طوری که در اول گزارش گفته شد اداره اطلاعات در ادامه شکنجه های خود از میان زندانیان بریده با فشار و تهدید چند نفر بدبخت و دستش از همه جا کوتاه را برای کنترل و خبر گیری و بعضی مواقع کارهای خطر ناک انتخاب کرده و در میان زندانیان به کارخبر چینی و گزارش دهی گمارده شده اند که مشخصات و کارهای برخی از این افراد در گزارشات بعدی افشاء خواهد شد

زندانبانان در گوهر دشت از اعتصاب غذا بسیار وحشت دارند ، طی سه هفته اخیر تمامی خانواده های زندانیان که در زندان فعال هستند را به روش های مختلف تهدید کردند و به بیشتر آنها اعلام کردند که باید فرزندان و افراد زندانی خود را تحت فشار و نصیحت وادار کنید تابع دستورات شده وساکت باشند و در هیچ موردی دخالت نکنند و اگر ما تشخیص دادیم چیزی حقشان است به ایشان خواهیم داد در غیر این صورت شما ها را نیز دستگیر می کنیم و زندانیتان را می کشیم.

تعدادی از زندانیان سیاسی در اینجا افراد بیچاره ای هستند که بر اثر یک تصمیم احمقانه قضایی یا بر اثر یک اشتباه کوچک شخصی خود زندانی یا اشتباه بسیار کوچک تشکیلاتی گیر افتاده است و یک حکم نا متناسب بسیار سنگینی در یافت کرده است که اگر به جای جمهوری اسلامی یک نظام معمولی بود نه تنها آنها را زندانی نمی کرد بلکه مورد تشویق ومورد لطف و جایزه قرار می داد ولی حالا این زندانیان که افراد عادی هستند به عنوان زندانی سیاسی بور حورده اند و متاسفانه فضای سیاسی زندان را بسیار متزلزل،شککننده و نا کار آمد کرده اند.

مشکل بدی فضای سیاسی زندان حضور افراد غیر سیاسی بهائی که در جمهوری اسلامی بعد سیاسی یافته اند است با توجه به اینکه بیش از ۵۰ در صد زندانیان سیاسی را بهائی ها تشکیل می دهند و با توجه به اینکه ۹۵ در صد آنها هیچ فکر سیاسی و مبارزاتی ندارند و افراد عادی اجتماع هستند و با توجه به اینکه تحت بیشترین فشارها قرار دارند و همچنین بخاطر سیاسی نبودنشان خیلی سریع بازی می خورند وبدون اینکه خود بخواهند یا آگاهی نسبت به کار خود داشته باشند سریع و ساده در اختیار پلیس سیاسی و بازجوها قرار می گیرند. دستگیری و محاکمه گسترده و محکومیت های سنگین آنها را به وزنه بسیار بزرگی در زندان تبدیل کرده است در حالی که به دلیل تهی بودن ماهیت درونی آنها به عنوان

مبارزین سیاسی باعث وجود تناقض فکری و سیاسی با شکل و فرم کنونی شده است این تناقض مسیر حرکتی سیاسی در زندان را دچار مشکل کرده در نتیجه وجود بهائیان غیر سیاسی به عنوان زندانیان سیاسی فضا و وزنه سیاسی زندان را بسیار تقلیل داده است. همچنین آنها در کارهای سیاسی بسیار کمتر شرکت می کنند هیچ علاقه برای یاد گیری و رشد نشان نمی دهند. وزارت اطلاعات ، قوه قضائیه و سازمان زندانها از این افراد عادی، که زندانی سیاسی شده اند نهایت سو استفاده را می کنند از آنها علیه زندانیان سیاسی دیگر استفاده می کنند که برای جو و فضای بند سیاسی بسیار مشکل ساز شده است.

گزارشات ادامه خواهند داشت.

فریده جعفری

۱۳۸۹/۱۲/۵